



پیش‌گفتار

انتشار هفتمین شماره‌ی «سامان نو» هم‌زمان است با سی‌امین سالگرد انقلاب ایران. انقلابی که یکی از مهمترین رویدادهای قرن بیستم بود. انقلابی که با یکی از طولانی‌ترین اعتصاب‌های عمومی طبقه‌ی کارگر و مردم زحمتکش در تاریخ معاصر جهان رقم خورد. انقلابی که میلیون‌ها نفر را روزانه به مصاف یکی از مجهزترین ارتش‌های یک نظام خودکامه کشاند. انقلابی که سبب‌ساز شکوفایی شوراهای کارگری، کمیته‌های کارخانه و روستا، انجمن‌های محله و سازمان‌های مستقل ستمدیدگان و استثمارشدگان شد. انقلابی که کنترل کارگری بر تولید و توزیع را تمرین و تجربه کرد. در فرایند باشکوه روزانه‌ی جنبش انقلابی میلیون‌ها نفر در خیابان‌ها رژه رفتند و به ستیز با واپس‌گرایان سامان‌یافته پیرامون سلطنت شتافتند. انقلابی که تمام نیروهای واپس‌گرا و خودکامه‌ی داخلی و استعمارگر خارجی را وادار به ایجاد جبهه‌ی متحدی برای سرکوب آن ساخت. آری، انقلابی که نزدیک به دو سال پیش از فروپاشی نظام استبدادی پادشاهی شعله‌ور شد و تا قیام بهمن ماه ۵۷ زبانه کشید و تا دو سال و نیم پس از روی کار آمدن ضدانقلاب «فقهای حفظ نظام سرمایه‌داری» و آغاز سرکوب‌های تابستان ۶۰ خاموش نشد.

در فضای رادیکال ناشی از آغاز اعتصاب عمومی و راه‌پیمایی‌های میلیونی، نبود یک سازمان هدایت‌گر مجهز به برنامه‌های سوسیالیستی و با یک راه‌کار و راهبرد روشن و انقلابی سرنویشت‌ساز گردیده بود. در این فضای خالی سیاسی بود که به آسانی رهبری جنبش انقلابی به دست روحانیت افتاد؛ سرانجام جبهه‌ی مشترک ضدانقلاب این جنبش عظیم را با شقاوت و بی‌رحمی کم‌نظیری به خاک و خون کشاند و منبر روحانیت جایگزین تخت سلطنت شد؛ لاله «بهار آزادی» نشکفته با نعلین «تابستان خفقان» لگدمال گشت؛ مردمی که علیه یکی از مجهزترین ارتش‌های جهان صدها آواز رهایی سروده بودند دیگر حتا نمی‌توانستند در پستوی خانه‌ی خود به نوای یک آهنگ گوش فرا دهند. تمام دستاوردهای جنبش انقلابی مردم ایران در مدت کوتاهی به دست رژیم جدید نابود شد. جنبشی با آن شکوه و شکستی چنین ژرف؟!

چگونگی آغاز خیزش، و فراز و فرود جنبش کارگری و چرایی ناکامی انقلاب مردمی و ناکارآمدی نیروهای سوسیالیست و چپ هنوز با نگرشی انتقادی - پژوهشی مورد ارزیابی گسترده و همه‌جانبه قرار نگرفته است. شگفتا با وجود این که بیش از سی سال از آغاز انقلاب ضدسلطنتی می‌گذرد اما، هنوز یک پژوهش تاریخی، جامع و مستند از رویدادی به این بزرگی در دست نیست! می‌دانیم که طی سده‌ی گذشته ده‌ها کتاب و صدها نوشتار درباره‌ی انقلاب مشروطه به چاپ رسیده است اما هنوز یک پژوهش جامع که از منظر سوسیالیسم انقلابی به نگارش درآمده باشد از این خیزش توده‌ای تاریخی سراغ نداریم! پرسیدنی است که چرا؟ «سامان نو» پاسخ چرایی و چگونگی این روی‌داد مهم تاریخی را به بحث همگانی می‌گذارد.

«سامان نو» به مناسبت سالگشت انقلاب، روزشمار رویدادهای سی سال پیش، از کشتار «جمعه سیاه» در ۱۷ شهریور تا وقایع یک روز پس از قیام ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ را از روی سرتیترهای روزنامه «اطلاعات» انتخاب کرده و به همراه روزشماری از اعتصاب دوم کارگران پالایشگاه آبادان (آذر و دی ماه ۱۳۵۷) به صورت ضمیمه‌ی نشریه‌ی شماره ۷ منتشر می‌کند. باید اذعان داشت که گزارش‌های روزنامه «اطلاعات» بیانگر تمام رویدادهای گزارش‌شده در روزنامه‌های کثیرالانتشار و نشریه‌های نیروهای سیاسی آن دوران نیست. به ویژه این که این روزنامه از تاریخ ۱۴ آبان تا ۱۶ دی ماه ۱۳۵۷ به خاطر اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارکنان و نویسندگان مطبوعات منتشر نشد. در فاصله‌ی این دو ماه آنقدر رویدادهای مهم رخ داد که به درستی نمی‌توان یک تصویر واقعی از رویدادهای روزمره‌ی دوران انقلابی به دست آورد. اما، با وجود این کمبود، این گزارش‌ها بیانگر فرازی کلی از یک دوره، و نمودی مهم از سیر فرایند به یادماندنی تحول انقلابی و ورود صفوف میلیونی مردم ایران به مبارزه علیه رژیم پادشاهی تا پیش از قیام ۲۱ بهمن‌ماه هستند؛ دورانی که با آغاز اعتصاب عمومی و فرارویی راه‌پیمایی‌های عظیم مصادف شد و به سرعت سبب ساز رادیکالیزه شدن توده‌های مردم و درماندگی رژیم پادشاهی گردید.

سال ۲۰۰۸ میلادی هم‌زمان با نودمین سالگرد آغاز یک دوره‌ی انقلابی در آلمان که از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۳ ادامه داشت نیز بود. درس‌های این جنبش انقلابی عظیم برای جنبش سوسیالیستی فوق‌العاده با اهمیت هستند. ولی متأسفانه این تجربه نیز به علل گوناگون برای بسیاری از مبارزان کمونیست و پژوهش‌گران چپ ایران ناشناخته باقی مانده است. از این روی، نوشتاری درباره‌ی این انقلاب برگزیده و به فارسی برگردانده شده است. امیدواریم که در آینده نزدیک پژوهش‌های همه‌جانبه‌تری درباره‌ی انقلاب آلمان انجام و این دوره‌ی مهم تاریخ اروپا و جهان را مورد ارزیابی خوانندگان «سامان نو» قرار گیرد.



در پیشگفتار «سامان نو» شماره ۶ اشاره شد که در شماره‌های آینده‌ی این نشریه بیشتر به پی‌آمدهای سیاست‌های نئولیبرالی و خصوصی‌سازی خواهیم پرداخت. بی‌شک، خیزش شورانگیز جوانان، کارگران و مردم یونان بازتابی است از بحران ژرف جهان سرمایه‌داری؛ تحلیل‌گران نظم موجود بیم از آن دارند که اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها در یونان به سه کشور همسایه یعنی ایتالیا، اسپانیا، فرانسه و سپس دیگر نقاط اروپا و جهان دامن گسترده‌تری، در طی فقط چند ماه ژرفای ابعاد این بحران جهانی آن‌چنان آشکار شده است که در تصور هیچ کارگزار و کارشناس "واقع‌بین" حامی نظام سرمایه‌داری نیز نمی‌گنجد. تاکنون تنها این کارگران و زحمتکشان بودند که به خاطر بحران‌های ادواری و دائمی نظام جهانی سرمایه‌داری و بیکاری ناشی از «گلوبالیزاسیون» از زندگی دست می‌شستند و خودکشی می‌کردند؛ اما هم‌اکنون شاهد آن هستیم که حتی کلان سرمایه‌داران و میلیاردرهایی که به ورشکستگی کشانده شده‌اند نیز به زندگی خود پایان می‌دهند: آدولف مرکل که «به خاطر بحران مالی کنونی توان هیچ کاری را نداشت» و ورشکسته شده بود به زندگی خود پایان داد؛ وی از نظر میزان ثروت پنجمین کلان ثروتمند آلمان به حساب می‌آمد. چنین است پهنای آشفتنی «نظم» برحمت «سرمایه» و «فجایع انسانی» که حتی به ساکنان قصرهای افسانه‌ای و صاحبان کشتی‌های تفریحی اقیانوس‌پیما و هواپیماهای شخصی و کسب و کار «کارآفرینان» دامن گسترده و رخنه کرده است.

بحران «سرمایه» نه تنها در نظام مالی، بخش مسکن، انرژی و مواد غذایی بروز کرده بلکه در همه‌ی بخش‌های اقتصادی نمایان شده است: سه شرکت غول‌آسا و "افتخار" صنایع خودروسازی آمریکا رو به ورشکستگی گذاشته‌اند و در خطر تعطیلی قرار دارند و میزان بیکاران آمریکا این بزرگترین اقتصاد جهان به بیش از ۱۱ میلیون رسیده و ماهانه ۵۰۰ هزار نفر به صفوف ارتش بیکاران آن کشور افزوده می‌شود. اما به روال همیشگی، تاوان ناکارآمدی و بحران‌های ساختاری نظام سرمایه‌داری را کارگران باید بپردازند؛ ایدئولوگ‌های گماشته‌ی «سرمایه» آمریکایی از یک سو بالا بودن دستمزدهای کارگران و کارکنان را سبب ساز بحران صنایع خودروسازی (و اقتصاد) آمریکا قلمداد می‌کنند و به غسل تعمید سرمایه‌داران و کارفرمایان می‌پردازند؛ و از سوی دیگر با صرف صدها میلیون دلار هزینه‌ی انتخاباتی، همان چهره‌های آشنای نئولیبرال، صهیونیست و نومحافظه‌کار را در زیر چتر تبلیغ انتخاباتی «تغییر» و با بَرک چهره‌ی پوپولیستی «اوباما» دوباره به سر کار می‌آورند؛ اما با وجود تمام این عوام‌فریبی‌ها، کلاه‌برداری‌های سرمایه‌داران هنوز ادامه دارد: برنارد میداف، کلان سرمایه‌دار آمریکایی و یکی از مدیران سابق بورس در نیویورک بزرگترین کلاه‌برداری تاریخ بازار مالی را به مبلغ بیش از ۵۰ میلیارد دلار انجام داد!

اما در این سوی اقیانوس، حاکمان جدید روسیه نیز که با یاری افسران ک.گ.ب. سازمان مخوف امنیتی رژیم «سوسیالیسم واقعا ناموجود» پیشین، یک شبه میلیاردها دلار «سرمایه» به چنگ آورده‌اند، از بحران جهان سرمایه‌داری، و به تبع آن روسیه، سخت بیمناک‌اند. دولتمردان تازه به دوران رسیده‌ی روسی که پا به عرصه‌ی اقتصاد «بازار آزاد» گذاشته‌اند پاسخ حل بحران را از تجربه‌ی خفقان‌زا و خون‌بار تزار سرخ آموخته‌اند: از یک سو، "کمونیست‌های بی‌دین" چندی پیش، اگر لازم باشد، در مراسم ربانی کلیسای ارتودکس برای مردم‌فریبی حضور می‌یابند و طلب آموزش از «گناهان» خود می‌کنند و از سوی دیگر، سگ‌های هار نئونازیست را به جان کارگران و زحمتکشان «تیره موی» غیرروس می‌اندازند. نئونازی‌ها خواهان اخراج تمام کارگران و شهروندان غیرروس از روسیه برای حل مشکل بیکاری و اقتصاد بحران‌زده‌ی روسیه هستند: در سال گذشته بیش از ۸۰ نفر کارگر و شهروند ارمنی تبار، تاجیک تبار، قرقیز تبار، آذری تبار و... در اماکن عمومی و خیابان‌های مسکو و دیگر شهرهای روسیه به دست نئونازی‌های مزدور «سرمایه» شناسایی شده و به طرز فجیعی جان باخته‌اند.

ولی بحران سرمایه‌داری تنها در مرزهای روسیه متوقف نشده است. مردم کشورهای رومانی، بلغارستان، لاتوی، لیتونی و استونی نیز بیشترین زیان را از روند حرکت بحران‌زای «سرمایه» دیده‌اند. طی چند روز گذشته هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان «بلوک شرق» سابق و «اروپای متحد» کنونی برای مبارزه با بیکارسازی، افزایش مالیات‌ها، حذف خدمات اجتماعی و یورش به استانداردهای اولیه زندگی خود – که نسبت به اروپای غربی در سطح بسیار پایینی قرار دارد – به خیابان‌ها آمده و به چالش با نظم موجود برخاسته‌اند؛ اما پاسخ هیأت حاکمه‌ی این کشورها چه بوده است؟ سرکوب و خفقان دستگاه‌های انتظامی و امنیتی «اروپای شرقی» باردیگر به کار افتاده‌اند و صدها نفر از کارگران و زحمتکشان تظاهرکننده را مجروح و زندانی کرده‌اند. آری سیستم پیشین به اسم «سوسیالیسم» کارگران و زحمتکشان را سرکوب می‌کرد و نظام فعلی به عنوان «دموکراسی»؛ به قول یکی از تظاهرکنندگان: «دنیای آزاد» همان «دنیای بسته» است، فقط رنگ پرچم و یونیفورم عوض شده است.

داستان بحران نظام سرمایه‌داری به این زودی‌ها پایان نخواهد یافت؛ کسانی که هندوستان را به عنوان یکی از دو نمونه‌ی درخشان رشد پرشتاب اقتصاد جهان معرفی می‌کردند، هم‌اکنون مات و مبهوت صحبت از سرایت بحران «جهان سرمایه» و کاهش رشد اقتصادی آن کشور می‌کنند. این داستان در هندوستان پایان نمی‌گیرد و از مسیر "جاده باستانی ابریشم" به چین



می‌رود؛ تا دیروز از دولت چین برای پیروی از اقتصاد بازار آزاد ستایش می‌شد، اما امروزه می‌گویند که نباید به آمارها و میزان رشد بالایی اقتصادی که توسط دولت چین منتشر می‌شود زیاد اطمینان کرد!

بدون تردید، ورشکستگی سیاست‌های نئولیبرال و بحران نظام سرمایه‌داری در عرصه‌ی جهانی سبب شده است که نظریه‌پردازان کارکننده‌ی سیاسی و کارشناسان ارشد اقتصادی حامی حرکت «سرمایه» به بازنگری نظریه‌ها و راه‌کارهای ناکارآمد پیشین بپردازند. اما دولت‌مردان سنگ‌سَر و «کارشناسان اقتصادی» ایران هنوز با لجاجت خاص خود به ادامه‌ی سیاست «خصوصی-سازی‌ها» که متبرک به فتوای ملکوتی «اصل ۴۴» نیز شده است پافشاری می‌کنند.

«سامان نو» برآن بود که بیشتر نوشتارهای هر شماره‌ی نشریه را به یک موضوع نظری در باره‌ی مباحث‌های سوسیالیستی اختصاص بدهد. از تجربه‌ای که پس از انتشار ۶ شماره به دست آمده است دریافته‌ایم که با وجود ضرورت و اهمیتی که این کار دارد ولی در شرایط کنونی هنوز گروه همکاران این نشریه دارای توانایی‌های لازم پژوهشی برای اجرای چنین پروژه‌ای نیستند. با این وجود، «سامان نو» تلاش خواهد کرد که هرازگاهی دست به انتشار یک ویژه‌نامه‌ی تالیفی پیرامون مسائل جنبش سوسیالیستی بزند.

آگاه شدیم که اغلب مطلب‌های نشریه «سامان نو» در برخی وبلاگ‌ها و تارنماهای اینترنتی فارسی زبان دوباره به چاپ می‌رسند و حتا به زبان‌های دیگر (ترکی و کردی) ترجمه و منتشر می‌گردد. این نکته باعث خوشنودی دست‌اندرکاران و همکاران نشریه شده است. اما در مواردی دیده شده است که چند تارنما و وبلاگ، بدون ذکر منبع اصلی دست به تجدید چاپ مطلب‌های مندرج در «سامان نو» می‌زنند و حتا به تذکرهای توضیحی ما توجه نمی‌کنند. باید دوباره تاکید کنیم که سیاست کلی این نشریه مبتنی بر این بوده است که «نقل و تکثیر مقاله‌های "سامان نو" با ذکر منبع ایرادی ندارد». بدین سان توجه این دسته از «همکاران» را به این مسأله‌ی مهم جلب می‌کنیم و امیدواریم که در آینده به این نکته توجه کافی داشته باشند.

در هنگامی که نشریه مراحل پایانی ویرایش نوشتارها و صفحه‌آرایی را می‌گذراند باردیگر یورش هیأت حاکمه‌ی اسرائیل به مردم بی‌دفاع و محبوس فلسطین در نوار «غزه» از سر گرفته شد. «مسأله‌ی فلسطین» برای چندمین بار ماهیت واقعی حرکت «سرمایه» در عرصه‌ی جهانی را افشا کرد. بی‌شک صهیونیسم بین‌المللی و هیأت حاکمه‌ی اسرائیل بدون پشتیبانی مالی، نظامی و سیاسی جهان سرمایه‌داری قادر به تکرار و تداوم چنین جنایاتی علیه مردم فلسطین نیستند. وارونه جلوه‌گری گزارش‌ها به دست رسانه‌های خبری، مسخرگی نمایش‌های «سازمان ملل» و بیهودگی قطعنامه‌های «شورای امنیت»، سکوت و خیانت آشکار رهبران «جهان عرب»، ژست‌های بشردوستانه و «حقوق بشر» متعفن لیبرالیسم و «دموکراسی پارلمانی»، سخنرانی‌های نمایشی و میان‌تهی بنیادگرایان مذهبی و... همگی حکایت از ایجاد جبهه‌ی واحدی از ارتجاع در عرصه‌ی بین‌المللی علیه کارگران و زحمتکشان فلسطین، عرب، یهود و مردم منطقه‌ی خاورمیانه دارد. بی‌شک حضور اسرائیل سبب گسترش نیروهای ارتجاعی و نفوذ بنیادگرایی مذهبی در منطقه‌ی خاورمیانه شده است. این دو از وجود همدیگر تغذیه می‌کنند، و به ادامه‌ی حیات دیگری نیازمنداند و... در لابلای انبوه گزارش‌های مربوط به وحشی‌گری‌های ارتش اسرائیل، دولتمردان ایران با دستپاچگی دست به ویران‌سازی «گلزار خاوران» زدند. سردمداران حکومتی که تمام گزارش‌های جنایت‌های رژیم صهیونیستی اسرائیل را پوشش خبری می‌دهند، هنگامی که نگاه‌ها رو به سوی فلسطین جلب شده بود، با سراسیمگی تمام توان خود را به کار بستند تا خبر ویران‌سازی «خاوران» به جایی درز نکند تا آثار به جامانده‌ی یکی از مخوف‌ترین جنایت‌های خود را نابود سازند. اما حافظه‌ی تاریخی و وجدان انسانی، همانگونه که جنایت‌های نازیسم را فراموش نمی‌کند، به یقین جنایت‌های رژیم نژادپرست «اسرائیل» و «جمهوری اسلامی» را نیز فراموش نخواهد کرد.

بهر روی، «سامان نو» کوشش خواهد داشت تا در آینده مطلب‌های پژوهشی پیرامون صهیونیسم بین‌المللی، «مسأله‌ی یهود»، «مسأله‌ی فلسطین»، استعمار جهانی و خاورمیانه، ماهیت روحانیت شیعه و رشد بنیادگرایی مذهبی تهیه کرده و در اختیار خوانندگان بگذارد.

در پایان باید اشاره کرد که خوشبختانه با انتشار هر شماره تعداد جدیدی از پژوهش‌گر، مترجم و کارشناس سوسیالیست به گروه همکاران «سامان نو» افزوده می‌شوند. در همین شماره چند کار، حاصل حضور با ارزش آنان است.

هیئت تحریریه موقت «سامان نو»

دی ماه ۱۳۸۷ - ژانویه ۲۰۰۹

